

بررسی نقش ساختار ریاستی یا پارلمانی در اقتدار نظام ج.ا.ا.

محمد پیرعلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

چکیده

نظام ج.ا.ا. در حوزه ساختار سیاسی ناظر بر نظام پارلمانی صاحب تجربه است. تا پیش از بازبینی قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، کشور بر اساس ساختار پارلمانی تمشیت می‌شد. لیکن در مقطع چند سال اخیر برخی صاحب‌نظران بر این باورند که ساختار نظام ریاستی، مطلوب نظر مقتضیات کشور نیست و بستر تعامل قوا را میسر نمی‌سازد. ضمن اینکه برخی معتقدند این تغییر باید در مقطعی شکل بگیرد که کشور صاحب نظام حزبی توانمند به معنای حقیقی باشد در غیراین صورت تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی مشکلی را مرتفع نمی‌سازد. علی‌هذا وجه ممیزه برجسته ساختار سیاسی نظام ریاستی و پارلمانی معطوف به چگونگی انتخاب رییس قوه اجراییه است. این تفاوت در آنجایی بروز و ظهور می‌یابد که قوه مجریه برآمده از رای غیر مستقیم مردم، خود را در برابر قوه مقننه پاسخ‌گو بداند و قوه مقننه در برابر قوه مجریه برتری حقوقی یابد.

بنابراین چارچوب نظام واره نهادهای حاکمیتی در ساختار نظام‌های سیاسی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که ترکیب‌بندی نظام سیاسی و همچنین اصل کارآمدی، حاکی از تقسیم مسئولیت‌ها و تفکیک امور بطور متناسب ارزیابی می‌شود. لذا اینکه ترکیب نهادی حکومت و تقسیم وظایف بین افراد، از چه سازوکاری برخوردار است؟ و کدام ساختار مناسب حال کنونی کشور می‌باشد از مهمترین سوالات پیش‌روی این تحقیق است. که با روش تحلیلی- توصیفی و اخذ نظر خبرگان و کارشناسان این حوزه مورد کاوش قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ساختار، نظام پارلمانی، نظام ریاستی، اقتدار.

مقدمه

اصولاً در حکومت دو امر از اهمیت زیادی برخوردار است: اول مشروعیت، که بیانگر ماهیت و محتوای فرمانروایی و زمینه‌ساز عقلانیت در فرمانروایی و اقتدار حکومت است؛ دوم کارکرد، که این امر در ساختار تجری می‌یابد (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۲۳). در چهار دهه گذشته همواره روسای جمهور از کاستی اختیارات خود شکوه داشته‌اند و خواستار افزایش اختیارات بودند. برخی معتقدند واگذاری نظارت و اجرای قانون اساسی به مقام دوم کشور که از اختیارات کافی برخوردار نیست یک تساهل حقوقی است و برخی دیگر نیز بر این باورند که این شرایط یک پارادوکس آشکار است. با مروری بر اصول قانون اساسی این استنتاج حاصل می‌شود که رئیس‌جمهور همان نخست‌وزیر است. اما از سوی دیگر رئیس‌جمهور توسط رای مستقیم آحاد مردم انتخاب می‌شود و تلقی دیگری حاکی بر اولین مقام رسمی کشور ایجاد می‌کند. مقام معظم رهبری در مهرماه ۱۳۹۰ در دیدار دانشجویان کرمانشاهی تصریح کردند: «در شرایط فعلی نظام سیاسی کشور، ریاستی است و رئیس‌جمهوری با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می‌شود که شیوه خوب و مؤثری است اما اگر روزی در آینده احتمالاً دور، احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسوولان قوه مجریه بهتر است هیچ اشکالی در تغییر سازوکار فعلی وجود ندارد». این بیانات راه را برای بررسی حقوقی و سیاسی تغییر نظام پارلمانی هموار ساخت. حال باید دید کدام ساختار حاکمیتی اعم از ریاستی و یا پارلمانی می‌تواند کارآمدی و متعاقب آن اقتدار را برای ج.ا.ا فراهم سازند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

ساختار

ساختار در لغت به معنی ساخت، ساختمان، ترکیب، سازمان و تشکیلات معنی شده است (توسلی، ۱۳۷۸: ۱۲۴) و در علوم اجتماعی مساوی است با ساخت اجتماعی و ساخت اندامی (همان، ۱۲۵). هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است، رابطه‌ای نسبتاً ثابت و پابرجا برقرار باشد. در جامعه‌شناسی سیاسی، ساختار به معنی چینش قدرت و نحوه اعمال قدرت حکومتی بر جامعه به کار می‌رود (همان، ۱۲۶). در رابطه میان دولت و جامعه دو معیار قابل تشخیص است: یکی نحوه اعمال قدرت حکومتی که ساخت قدرت سیاسی را تشکیل می‌دهد و دوم میزان اعمال قدرت حکومتی بر جامعه و یا کوشش برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۹۸). در علم مدیریت، ساختار در قالب

مباحث سازمان مطرح می‌شود و مراد از آن نیز ساختار سازمان است (رابینز، ۱۳۷۸: ۲۱). در حقوق نیز دو نوع از رایج‌ترین کاربردهای واژه ساختار در حقوق عمومی و توصیف اشکال دولت و تشکیلات اداری مشاهده می‌شود (جبین، ۱۳۸۱: ۱۸۱). در علوم سیاسی، ساختار بیانگر «ترتیب و تنظیم نظامند نهادها و مقامات عالی حکومت برای جریان قدرت و اداره امور کلان یک اجتماع به نام دولت (مجموعه سرزمین، مردم، حکومت و حاکمیت) است (یوسفی، ۱۳۹۴: ۲۴). این مفهوم مترادف با شکل حکومت است. مطابق این تلقی، ساختار به مفهوم رژیم سیاسی نزدیک می‌شود و «رژیم سیاسی نیز معلول تنظیم و تلفیق نهادها شیوه‌هایی است که براساس آن باید قدرت سیاسی اعمال گردد» (قاضی، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

در تعریف عملیاتی ساختار می‌توان گفت: نحوه ترتیب‌بندی و مهندسی منظم و هدف‌مند نهادهای مهمی چون رهبری، قوای اجرایی، تقنینی، قضایی و سایر نهادهای مهم هم‌عرض یا عالی مانند نیروهای مسلح و ... در نظام سیاسی ج.ا.ا. به‌عنوان یک تعریف عملیاتی در این تحقیق مدنظر قرار داد.

جدول ۱. الگوهای تاریخی و عوامل ساختار

صاحب‌نظر	نگاه اختصاری به ساختار
ارسطو	تعداد افراد دارنده قدرت عالی و اهدافی که تعقیب می‌کنند.
متسکیو	جمهوری - سلطنتی مشروطه - استبدادی.
روسو	سلطنتی اریستوکراسی (طبیعی، انتخابی، موروثی) - دموکراسی.
تقسیم‌بندی مدرن	استبدادی و دموکراسی
اندیشمندان اسلامی	طاغوتی و اسلامی

نظام ریاستی و پارلمانی

در نظام‌های ریاستی، رییس کشور یا رییس‌جمهور رییس هیات‌دولت هم هست و مسئولیت اجرایی دارد. در واقع ریاست کشور با ریاست حکومت یکی است. نظام‌های ریاستی به‌صورت جمهوری اداره می‌شوند. در این نظام‌ها بین قوا تفکیک وجود دارد و قوه مجریه تا حد زیادی مستقل از قوه مقننه است (همان: ۱۸۷). در قانون اساسی علی‌رغم تصریح نظام ریاستی، مجلس دارای اختیارات قابل توجه‌ای است و می‌تواند بر دولت نظارت سخت داشته باشد. اما در مقابل دولت برآمده از مجلس نیست و عملاً در برابر برخی قوانین، تمکین نمی‌کند.

در نظام‌های پارلمانی به‌نوعی بین ریاست کشور و ریاست هیات‌دولت تفاوت وجود دارد. در واقع در این کشورها رییس کشور نقشی نمادین و تشریفاتی و حل‌کننده برخی تعارض‌های قوا را دارد و رییس هیات‌دولت یا نخست‌وزیر مسئولیت اجرایی را بر عهده دارد. روسای کشورها تاکنون در دنیا دو گونه بوده‌اند: یا رییس‌جمهور هستند و یا شاه. در این مدل چه رییس‌جمهور و چه شاه دارای قدرت بالای اجرایی نیست و نوعی نماد وحدت ملی و حل برخی تعارضات را دارند. اما نخست‌وزیر و یا صدراعظم دارای قدرت اصلی است و در واقع عمدتاً رهبر حزب پیروز در انتخابات پارلمانی است. به عبارت دیگر دو نظام پارلمانی متصور است؛ مشروطه سلطنتی (مانند انگلستان، ژاپن و نروژ) جمهوری با نظام پارلمانی (مانند هند و یا ترکیه). در این گونه مدل‌ها قوه مجریه برآمده از دل قوه مقننه است.

مزایا و معایب نظام ریاستی و پارلمانی

در جداول شماره ۲ و ۳ به مهم‌ترین وجوه مزیتی و منفی هر دو ساختار اشاره می‌گردد:

جدول ۲. وجوه منفی و مثبت نظام ریاستی

وجوه منفی نظام ریاستی	وجوه مزیتی نظام ریاستی
امکان خودکامگی قوه مجریه	افزایش ثبات دولت
فاصله گرفتن از به روز بودن	افزایش امکان اتخاذ سیاست مستمر
تاخیر در تصمیمات	مسئولیت کمتر در برابر قوه مقننه
حاکمیت کامل نظر رئیس‌جمهور	رفع ضرورت‌ها
تشدید تنش با مجلس	وجود اقوام مختلف
	افزایش اختیار عمل رییس‌جمهور

جدول ۳. وجوه منفی و مثبت نظام پارلمانی

وجوه منفی نظام پارلمانی	وجوه مزیتی نظام پارلمانی
نقض تفکیک قوا	افزایش هماهنگی قوای مجریه و مقننه
عدم استمرار در سیاست	جلوگیری از تکتنازی قوه مجریه
افزایش لابی‌گری	نظارت بیشتر بر عملکرد قوه مجریه
امکان بروز بروکراسی	وجود منتقدین جدی
تنزل قوه مجریه در برابر قوه مقننه	افزایش پاسخگویی
تضعیف حوزه اجرایی دولت	افزایش ابتکار عمل در قانون‌گذاری

به‌طور کلی عوامل موثر در ساختار سیاسی حکومت عبارتند از:

- ۱- عوامل انسانی یا زمام‌داران حکومت اسلامی به‌خصوص حاکم اسلامی که اساسی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده ساختار حکومت است؛
- ۲- عامل نهادی یا نهادهای حکومتی؛
- ۳- عامل مکانی یا سرزمین؛
- ۴- عامل زمانی یا اقتضائات و ضرورت‌های عصر حکومت؛
- ۵- عوامل فرهنگی و کلیه امورهایی که در نحوه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها موثر است. (یوسفی، ۱۳۹۴: ۲۰۵-۲۰۴).

اهداف و اصول نظام اسلامی در ساختار

۱- کمال نهایی: یکی از مهم‌ترین اهداف کمال نهایی انسان با تشکیل جامعه توحیدی است و اولین هدف حکومت در اسلام این است که جامعه‌ای تشکیل دهد که در تمام جهات یک جامعه توحیدی به‌شمار می‌رود (قرضاوی، ۱۳۸۵: ۲۴).

۲- گسترش عدالت: زندگی انسان براساس عدالت اجتماعی استوار شود و بساط ظلم و ستم برچیده شود. ترکیب کلی نهادها در ساختار حکومت، مهم است؛ زیرا علاوه بر سازماندهی کلی حکومت و کارآمدی، نشانگر بعد اساسی در تقسیم و تفکیک وظایف مختلف حکومتی می‌باشد (مودودی، ۱۳۶۴: ۳۸).

۳- تامین مصالح مادی و معنوی (یوسفی، ۱۳۹۴: ۴۹)

اصول بنیادین اسلام در ساختار نیز شامل: حاکمیت الهی، اصل عدالت، اصل مشورت، اصل مصلحت است و برون‌داد ساختار در نظام اسلامی باید این عناوین را محقق سازد؛ حفظ و گسترش شعائر اسلامی (اجتماعی و عبادی)، تعلیم و تربیت، تلاش برای حاکمیت اسلام، تامین نظم و امنیت، تامین نیازهای مادی.

سیر تطور ساختار سیاسی در بلاد اسلامی

ساختار نظام در زمان حضرت رسول (ص)

منابع مختلف اسلامی تصریح دارند که حکومتی که پیامبر خدا (ص) در مدینه تشکیل داد، از نظرگاه حقوق اساسی «کهن‌ترین ساختار تشکیلاتی حکومت به‌عنوان ساختار سامان‌دهنده اجتماعی سیاسی است» زیرا برای نخستین بار در این حکومت، اصل معروف به مشروعیت یا تبعیت حکومت از قانون، مقرر گشت (الغنوشی، ۱۳۸۱: ۱۲۰) و ارکان آن شامل موارد ذیل می‌باشد؛

۱- وزیر، ۲- دستگاه اداری، ۳- دستگاه قضایی، ۴- دستگاه فنی، ۵- دستگاه مالی، ۶- دستگاه دیپلماسی، ۷- دستگاه نظامی یا عسکری، ۸- دستگاه آموزشی و تعلیمی، ۹- دستگاه تبلیغی، ۱۰- دستگاه امنیتی.

ساختار نظام پس از رحلت پیامبر مبتنی بر خلافت بود، که ارکان آن شامل خلیفه، وزیر و قاضی بوده است. اولین زمانی که قضاوت به صورت رسمی از امارت جدا شد در دوره بنی‌عباس بود که بدین صورت قوه قضائیه از قوه مجریه جدا شد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). امارت یا امیرالامرایی (تدبیری که خلیفه عباسی برای مقابله با گسترش عوامل ضدخلافت - اعمال حاکمیت در نقاط دوردست) - ولیعهدی (برگرفته از سنت سلطنتی ایران) - شورای حل و عقد (مجلس) بوده است.

یک نمونه از ساختار حکومتی خلافت نیز در حاکمیت حضرت علی^(ع) تجلی یافت. این شکل از حکومت به عنوان ساختار امامت معروف است که در عمل و در عینیت تاریخی خودش تفاوت چندانی با ساختار خلافت اسلامی خلفای پیشین نداشت، اما براساس مشروعیت دینی و نیز کیفیت انعقاد، از نظام خلافت‌های پیشین متفاوت است، لذا در دیدگاه شیعه ساختاری متفاوت از خلافت اسلامی تلقی می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

ساختار نظام در زمان صفوی

ساختار نظام در زمان صفوی بدین‌قرار بوده است: شاه یا سلطان - اشراف لشکری و کشوری - اهل شمشیر و اهل قلم - رعایا (دهقانان، صنعتگران، تجار و ...).

ساختار در ادبیات جدید (حکمرانی مؤثر)

این نوع حکمرانی براساس نشانه‌های ساختاری و کارکردی تحلیل می‌شود. نشانه‌های ساختاری را باید در قالب انسجام سیاسی مشاهده کرد. نشانه‌های کارکردی براساس بهره‌وری مورد سنجش قرار می‌گیرد. انسجام سیاسی به‌عنوان زیربنای حکمرانی مؤثر در نظام‌های حکومتی توسعه‌گرا محسوب می‌شود. سازوکارهای توسعه‌گرایی راهبردی مربوط به شرایطی است که واحدهای سیاسی تلاش دارند تا نشانه‌هایی از مقاومت را در دستور کار قرار دهند.

مقاومت در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، نیازمند انسجام ساختاری در نظام‌های سیاسی توسعه‌گرا می‌باشد.

حکمرانی مؤثر دارای سه نشانه بنیادین است. نشانه اول آن است که بازیگران در کنش سیاسی خود بر ضرورت‌های ساختاری تأکید داشته و نشانه‌هایی از همبستگی اجتماعی و سازمانی را در چارچوب قانون و فرآیندهای مبتنی بر قانون‌گرایی پیگیری نمایند.

نشانه دوم آن است که نقش سیاسی و اجتماعی هر یک از بازیگران براساس نشانه‌هایی از هم‌تکمیلی ساختاری سازماندهی شود. پیوند دو فرآیند یادشده زمینه‌های همدلی برای گذار از بحران‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند.

نشانه سوم در قالب اثربخشی، بهینه‌سازی فرآیندها و کارآمدی ارزیابی می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۴) و در رویکرد دیگر در حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری (میدری، ۱۳۸۳: ۶).

متغیرهای حکمرانی مؤثر و عقلانیت اقتدار

موضوع حکمرانی مؤثر به‌عنوان متغیر وابسته تلقی گردیده و اقتدار ملی را می‌توان متغیر مستقل دانست. عقلانیت اقتدار نیز به‌مثابه متغیر واسطه می‌باشد. به هر میزان که عقلانیت اقتدار زمینه‌های اقتدار ملی را به وجود آورد، شرایط برای حکمرانی مؤثر به وجود می‌آید. عقلانیت اقتدار را می‌توان به‌عنوان عامل ارتباطی انسجام سیاسی و حکمرانی مؤثر در جمهوری اسلامی ایران دانست.

حکمرانی مؤثر در شرایطی شکل می‌گیرد که اولاً قانون‌گرایی محور اصلی کنش ساختاری و اجتماعی باشد. ثانیاً قابلیت فردی زمینه ارتقاء جایگاه ساختاری را فراهم آورد. ثالثاً ارائه خدمات به گروه‌های اجتماعی براساس نشانه‌های غیر تبعیض‌آمیز حاصل گردد.

اگر خواسته باشیم بین حکمرانی مؤثر و انسجام سیاسی ارتباط مستقیم برقرار نماییم، تحقق چنین شرایطی به مفهوم آن است که بهینه‌سازی توسعه انسانی و مصون‌سازی شهروندان و

گروه‌های اجتماعی از طریق فرآیندی حاصل می‌شود که مبتنی بر نشانه‌هایی از عقلانیت سیاسی خواهد بود.

عقلانیت سیاسی به مفهوم برنامه‌ریزی برای مقابله با تهدیدات و گسترش سازوکارهای معطوف به سازماندهی حکمرانی مؤثر است. بخش دیگری از سازوکارها و فرآیندهای معطوف به حکمرانی مؤثر را می‌توان بهره‌گیری از عقلانیت سیاسی دانست.

ضرورت‌های عقلانیت سیاسی ایجاب می‌کند که زمینه برای کنترل مشارکت اجتماعی از طریق سازوکارهای نهادی و قانونی غیرتبعیض‌آمیز به وجود آید. در چنین شرایطی است که موضوع مربوط به نظارت مطرح می‌شود. اگر جامعه و نهادهای اجتماعی نظارت مؤثری بر سازوکارهای دولتی نداشته باشند، در آن شرایط هیچ‌گونه زمینه‌ای برای تحقق اهداف راهبردی وجود نخواهد داشت. حکمرانی مؤثر نیازمند غلبه دولت بر تهدیدات و چالش‌های اجتماعی است.

در شرایطی که نشانه‌هایی از تبعیض و فساد اجتماعی وجود داشته باشد، طبیعی است که چالش‌های ساختاری دولت افزایش می‌یابد.

حکمرانی مؤثر در شرایطی حاصل می‌شود که نظام اجتماعی و ساختار سیاسی از ثبات، قانون‌مداری و نشانه‌هایی از عدم تبعیض برخوردار باشد. به همین دلیل است که در فرآیند حکمرانی مؤثر، کنترل فساد اجتماعی و اقتصادی همانند رشوه‌خواری، تبارگماری، وابستگی قومی، باندبازی و پولشویی اجتناب‌ناپذیر است. در غیراین صورت جامعه در فضای شکاف سیاسی با دولت و اهداف دولتی قرار می‌گیرد. شکاف سیاسی زمینه مشروعیت‌زدایی را فراهم می‌سازد (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

انواع ماهیت و رویکرد دولت مقتدر

ساختار استعلایی: دولت تنها شاخص معرف اقتدار... ماکیاول معتقد بود دولت ماهیتی مجزا از جامعه... (نظریه دولت غیراخلاقی - نظریه دولت خدمتگزار غیرمسئول - دولت اخلاقی)

ساختار مشروطه: اقتدار ملی در گرو اصولی نظیر قانون اساسی است که مردم و دولت بدان پایبندند.

ساختار کارآمد (درونی): الف) مشروعیت که بیانگر ماهیت و محتوای فرمانروایی و زمینه‌ساز عقلانیت در فرمانروایی و اقتدار حکومت است. ب) کارکرد که در ساختار تجلی می‌یابد. ساختار مقتدر (بیرونی): بهره‌مندی از منابع معنوی قدرت (فراگیری اصول عملی حکومت اسلامی - قدرت ناشی از عمل به تکلیف) که در بهره‌مندی از توانمندی‌های مادی مانند تامین نیاز شهروندان، داشتن دیپلماسی فعال، اطمینان، صراحت و قاطعیت تجلی می‌یابد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

وجوه حکمرانی خوب در اقتدار

- ارائه خدمات به گروه‌های اجتماعی براساس نشانه‌های غیرتبعیض‌آمیز
- بهینه‌سازی توسعه انسانی و مصون‌سازی شهروندان و گروه‌های اجتماعی
- کنترل مشارکت اجتماعی از طریق سازوکارهای نهادی و قانونی غیرتبعیض‌آمیز
- کنترل فساد اجتماعی و اقتصادی همانند رشوه‌خواری، تبارگرایی، ...
- پاسخ‌گویی عمومی در فضای مشارکت سیاسی
- پُرکردن شکاف مدیریت سیاسی
- کارآیی بوروکراتیک
- مدیریت سیاسی و راهبردی
- بهینه‌سازی نقش بخش عمومی در مدیریت اجرایی

فرآیند اقتدار و حکمرانی خوب

- ترویج اصول اخلاقی قانون‌گرایی و پاسخگویی
- ظرفیت نظارتی (ظرفیت‌سازی راهبردی و کارکردی)
- تدوین استراتژی مبتنی بر برنامه (استراتژی برای مدیریت سیاسی)
- پاسخ‌گویی در حوزه سیاست خارجی
- پاسخ‌گویی در حوزه سیاست داخلی
- تعهد آشکار دولت برای هدایت امور عمومی (عام‌گرایی)

ملاحظات حکمرانی خوب

حکمرانی خوب به‌عنوان عامل ساختاری ارتقاء اقتدار سیاسی کشور موجد ملاحظاتی است. اول اینکه این حکمرانی نیازمند ایجاد فرصت‌هایی برای ارتقاء قابلیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کنشگری بازیگران تلقی می‌شود. ضمن اینکه می‌توان قاعده‌مندسازی کنش اجتماعی را زیربنای حکمرانی خوب در کشورهایی دانست که روند نوسازی و توسعه را پیگیری می‌کنند و در نهایت قاعده‌گرایی و پاسخگویی کارگزاران در حلقه عناصر و عوامل شکل‌گیری ساختار منسجم در فرآیند ایجاد اقتدار سیاسی تلقی می‌شود.

لذا مدیریت سیاسی براساس قانون و نهادهای اجتماعی، دربرگیری نیروهای اجتماعی در سیاستگذاری حکومتی به‌گونه‌ای عام و پاسخگویی به مطالبات گروه‌های اجتماعی و همچنین پاسخگویی به عملکرد اجرایی است. از دیگر سو بازتولید ارزش‌های سیاسی از طریق فرهنگ، قانون و شفافیت کنش بوروکراتیک، ارتقاء کارآمدی در قالب درستکاری، وفاداری و خدمات‌رسانی، انصاف، در میان مردم، گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی رقیب از دیگر وجوه است.

ساختار سیاسی ج.ا.ا. در اندیشه امام خمینی^(ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

در پویایی ماهیت ساختار برخی متفکران علوم سیاسی معتقدند سازمان‌ها و اقتدارشان (ساختار نظام) از درون حوادث بیرون آمده و در اوضاع و احوال متغییر شکل گرفته و تجسم تاریخی می‌یابند. نکته‌ای که در مقطع کنونی نیز قابل مصداق یافتن است. علی‌هذا اصول بنیادین ساختار نظام اسلامی در کلام امام^(ره) در سه رکن است: ۱- اصل حاکمیت الهی و اسلامی بودن قوانین؛ ۲- عدالت؛ ۳- مردمی بودن.

و در باب اقتدار حاصل از ساختار ایشان بر قدرت پالایش شده تاکید دارند و اقتدار حاصل از قدرت پالایش شده را در سپهرهای سه‌گانه‌ای نظیر؛ سپهرگفتمانی: قدرت از شکل زور و عریان به قدرت تحت کنترل. سپهر سازمانی: رسالت مادی دولت توأم با رسالت معنوی. سپهر مدنی: فعالیت تشکل‌های مدنی می‌دانند.

شئون ساختاری امر نظارت در کلام امام خمینی (ره)

نظارت مردمی: انتخابات؛ نصیحت؛ بیان اشکال؛ انتقاد؛ تظلم خواهی؛ فشار افکار عمومی؛ اعتراض؛ اعتصاب؛ قیام فردی؛ قیام جمعی.

نظارت نهادی: دستگاه دولتی؛ مجلس خبرگان؛ روش های مصوب برای اعمال نظارت.

در اندیشه امام خمینی (ره) ساختار قدرت با عبور از ۴ صافی به اقتدار مبدل می شود:

الف) صافی اثباتی: ناظر بر منبع قدرت (تعلق قدرت به خدا که به دو صورت ولایت تکوینی و تشریحی)؛ اراده الهی؛ امامت برخاسته از ختم نبوت.

ب) صافی کاربردی: تمکین به احکام الهی؛ حقوق مردم؛ عدالت؛ انصاف.

ج) صافی نظارتی: کارگزار در محضر الهی؛ عدم بی نیازی از نظارت؛ قانونمداری.

د) صافی اخلاقی: همه جا قانون رافع مشکلات نیست بلکه اخلاق به کمک قانون (ریسک نقض قانون؛ ناچاری سیاسی احزاب در حذف رقیب؛ وجود حاشیه امن؛ فساد پنهان) (افتخاری، ۱۳۸۴: ۶۷).

ساختار نهادی جمهوری اسلامی ایران

در اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه گانه تفکیک شدند. تفکیک قوایی که "زیر نظر ولایت امر و امامت امت" اعمال می شود و به صراحت از عبارت "تفکیک قوا" بهره نگرفته است.

رژیم های سیاسی بر اساس تقسیم وظایف میان قوای حاکم دارای سه شکل هستند؛ اول اختلاط قوا در دو قوه مجریه و مقننه در هم ادغام شده اند. دوم دارای تفکیک قوا (رژیم های ریاستی) که هر یک از دو قوه، قسمتی از وظایف حکومتی را برعهده دارند؛ قوه مقننه در اختیار مجلس است و قوه مجریه در اختیار دولت و استقلال هر یک از دو قوه تأمین شده است و سوم همکاری قوا (رژیم های مجلس مدار) که هر یک از دو قوه حق دخالت در کارهای قوه دیگر را دارد.

از دیگر سو تامل در ساختار حکومت ج.ا.ا، قانون اساسی و نیز سایر مدل های حکومت اسلامی در تاریخ و عصر کنونی، نمونه بسیار روشنی از طراحی ساختار حکومت اسلامی متفاوت و مختلف در عصر غیبت است. از دیدگاه حضرت امام و فقهای شورای نگهبان قانون اساسی و نیز فقهای خبرگان قانون اساسی اول، ساختار جمهوری اسلامی ایران مصداق روشنی از حکومت

ولایی در یک قالب ملی در عصر کنونی می‌باشد. ضمن آنکه این ساختار الگوی منحصربه‌فرد نیست و ممکن است در شرایط دیگر، ساختارها و نهادهای دیگر، تحقق بخش الگوی حکومت اسلامی و تامین کننده مصالح امت اسلامی باشد (یوسفی، ۱۳۹۴: ۲۵۵).

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی - توسعه‌ای است؛ چرا که اولاً شناخت زوایای گوناگون ساختار سیاسی را توسعه می‌دهد و نگاه‌ها را به بسیاری از عوامل ناآشکار و مکتوم معطوف می‌سازد و ثانیاً نتایج آن می‌تواند موجب پیشبرد کیفی مولفه کلیدی اقتدار شود.

در نمونه‌گیری نیز روش سهمیه‌ای در نظر گرفته شده و انتخاب نیز به صورت غیراحتمالی و از بین افراد واحدهای در دسترس، متناسب با تعداد هر یک از گروه‌های تشکیل‌دهنده جامعه آماری (۴۴ نفر) انتخاب شده‌اند. برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای اطمینان از پایداری سؤالات و گویه‌های مورد سنجش، پرسش‌نامه اولیه در جمعیت ده نفری پاسخگویان مورد آزمون قرار گرفت تا نواقص احتمالی پرسش‌نامه که می‌توانست از نامفهوم بودن سؤالات و... باشد، مرتفع گردد. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های اولیه و غربالگری، سؤالات اصلاح و گویه‌ها نهایی شدند.

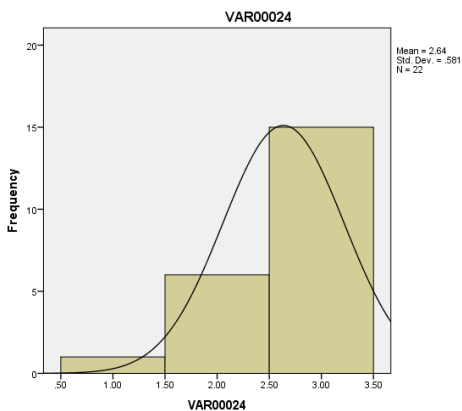
ابزارگردآوری اطلاعات: با توجه به اینکه پرسش‌نامه به‌عنوان یکی از ابزارهای رایج تحقیق و روشی مستقیم برای کسب داده‌های تحقیق است. پرسش‌نامه‌ای با چند گویه تهیه و میان افراد مورد نظر جهت پاسخ‌گویی ارائه گردید.

تحلیل توصیفی داده‌های جمعیت شناختی: به‌منظور بررسی فراوانی پاسخ‌هایی که به گویه‌های پرسشنامه از سوی پاسخ‌دهندگان داده شده از فنون آمار توصیفی مانند فراوانی و میانگین استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول ۴ می‌باشد:

جدول ۴. تحلیل توصیفی مرتبط با میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان

مدارک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
لیسانس	۲	۴/۵	۴/۵
فوق لیسانس	۱۲	۲۷/۳	۳۱/۸
دکتری	۳۰	۶۸/۲	۱۰۰
جمع کل	۴۴	۱۰۰	۱۰۰

بر اساس جدول شماره ۴، ۴/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۲۷/۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۶۸/۲ درصد دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. بیشترین پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند. نمودار توزیع فراوانی آن به شرح نمودار شماره ۱ می‌باشد:

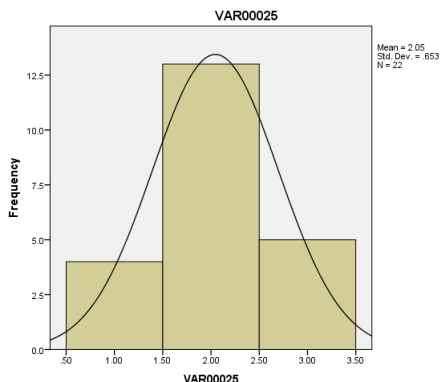


نمودار ۱. توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان

جدول ۵. تحلیل توصیفی مرتبط با رسته شغلی پاسخ‌دهندگان

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	رسته های شغلی
۱۸/۲	۱۸/۲	۸	نظامی
۷۷/۳	۵۹/۱	۲۶	مدیریتی
۱۰۰	۲۲/۷	۱۰	آموزشی
۱۰۰	۱۰۰	۴۴	جمع کل

خروجی جدول شماره ۵ نشانگر آن است که ۱۸/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان در رسته شغلی نظامی، ۵۹/۱ درصد در تخصص شغلی مدیریتی و ۲۲/۷ درصد دارای رسته شغلی آموزشی بوده‌اند. بیشترین پاسخ‌دهندگان دارای تخصص شغلی مدیریتی بوده‌اند و نمودار توزیع فراوانی آن به شرح نمودار شماره ۲ می‌باشد:



نمودار ۲. نمودار توزیع فراوانی سن پاسخ دهندگان

جدول ۶. تحلیل توصیفی مرتبط با سن پاسخ دهندگان

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۳۰-۴۰	۱۵	۳۴/۱	۳۴/۱
۴۱-۵۰	۱۴	۳۱/۸	۳۱/۸
۵۰ به بالا	۱۵	۳۴/۱	۳۴/۱
جمع کل	۴۴	۱۰۰	۱۰۰

اخذ نظر خبرگان

به منظور بررسی فراوانی پاسخ‌هایی که به گویه‌های پرسشنامه از سوی پاسخ‌دهندگان داده شده از فنون آمار توصیفی مانند فراوانی و میانگین استفاده شد که نتایج به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۷. اخذ نظر خبرگان

ردیف	گویه‌ها	فراوانی اثر ساختار روی اقتدار					
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	کلیلاً
۱	ساختار مبتنی بر تفکیک قوا و رعایت سلسله‌مراتب	۰	۰	۰	۲	۴۲	۰
۲	انتخاب رییس دولت توسط مردم	۶	۴	۲	۲	۲۲	۸
۳	انتخاب رییس دولت توسط مجلس	۵	۵	۴	۸	۲۰	۲
۴	وجود نظارت و زعامت عالی و ولی فقیه	۰	۰	۰	۰	۴۴	۰
۵	ساختار ریاستی اقتدار آفرین است	۰	۰	۰	۰	۴۲	۲
۶	ساختار پارلمانی اقتدار آفرین است	۰	۰	۰	۰	۴۲	۲

ردیف	گویه‌ها	فراوانی اثر ساختار روی اقتدار					
		زیاد زیاد	زیاد متوسط	متوسط زیاد	متوسط متوسط	کم زیاد	کم کم
۷	حفظ نهادهای انقلابی در ساختار	۱۸	۵	۱۲	۵	۴	۰
۸	فصل الخطابی مجلس و شورای نگهبان	۱۸	۲۰	۶	۰	۰	۰
۹	مشارکت همه سلاطین در ساختار سیاسی	۴۲	۲	۰	۰	۰	۰
۱۰	تغییر ساختار کنونی به پارلمانی	۲۰	۲	۸	۴	۵	۵

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

با این مقدمه و مباحث پیشین مقاله باید دید ساختار سیاسی ج.ا.ا. ریاستی یا پارلمانی است؟ نظام ج.ا.ا. دو رکنی (رهبری و ریاست قوه مجریه) است. رهبری در مقام ریاست کشور، در راس قرار دارد و برابر اصل ۱۱۳ قانون اساسی عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و اصل ۵۷ که مقرر می‌دارد؛ قوای حاکم زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت می‌باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران دارای ساختار نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی است. در این ساختار، موازنه خطی میان قوای مقننه و مجریه وجود ندارد و قوه مقننه اقتدار بیشتری بر قوه مجریه دارد این درحالی است که یکی از ویژگی‌های نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی، موازنه میان قوای مقننه و مجریه می‌باشد. ضمن اینکه قانون اساسی به صراحت، خودسری مقامات سیاسی و به انحصار کشاندن قدرت سیاسی توسط آن‌ها و گروه‌های سیاسی را ممنوع می‌کند. لذا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تفکیک قوا به رسمیت شناخته شده است. در قسمت دوم اصل ۵۶ آمده است که هیچ کس نمی‌تواند حق الهی حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش را در خدمت منافع فرد یا گروه و صنف خاصی قرار دهد یا این حق خداداد انسان بر مدیریت امور خویشان را از او بستاند. این اصل یعنی مقابله با اختلاط قوا است. پس مراد قانون اساسی از اینکه قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت مطلقه اداره می‌شوند این است که به نحوی از انحا یک نوع نظارت بر کارکرد قوا را برای رهبری پیش‌بینی کند نه اینکه فعالیت‌های تقنینی، اجرایی و قضایی را به یک فرد محول کند. در این راستا هدف قانون‌گذار این بوده که رهبری به دلیل شان و جایگاه سیاسی - مذهبی در ساختار نظام خود به‌عنوان مقام نخست

یک نوع نظارت را داشته باشد. در باب شباهت‌های سیستم پارلمانی و ریاستی در جمهوری اسلامی ایران باید گفت قوه مجریه دو رکنی است و شامل یک رئیس کشور و یک رئیس قوه مجریه است (در نظام ریاستی قوه مجریه یک رکنی است و شامل یک رئیس جمهور) شبیه سیستم پارلمانی. همچنین رئیس کشور و رئیس قوه مجریه، به‌طور غیرمستقیم و مستقیم با آرای همگانی ملت انتخاب می‌شوند، شبیه سیستم ریاستی.

مجلس در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش بی‌بدیل دارد و بارزترین نمود اعمال حاکمیت مردم است. ضمن اینکه صرف جایگاهی که مجلس در منظومه ساختار قدرت ایران دارد، برای کارکرد مناسب مجلس کافی نیست و انجام وظایف مطلوب در سطح اختیارات و وظایف، نیازمند تمهیداتی بوده است که ممکن است به نیکی پیش‌بینی نشده باشد و موجب چالش و یا کاهش کارکرد مطلوب شود.

در باب آسیب‌های ساختاری قوه مقننه با رویکرد تحدید اقتدار نیز باید به این مهم اشاره کرد که ساختار انتخابات مجلس، برای ورود نخبگان و کسانی که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) عصاره فضایل ملت باشند فراهم نیست. به عبارت دیگر تبلیغات و تامین هزینه‌ها در تعارض قرار گرفتن نظارت بر امور کشور با تفکیک قوا است و ورود غیر ضروری و بعضاً احساسی به مسائل حاشیه، بخشی‌نگری، وضع قوانین متعدد و متکثر و بعضاً معارض، اصلاح مکرر قوانین و ارائه استفساریه‌های عدیده کاهش چشمگیر قوانین جامع و تعارض در نظام تقنینی و همچنین نبود ضمانت اجرای مناسب برای قوانین را باید از جمله آسیب‌های ساختاری برشمرد.

آسیب‌های ساختاری قوه قضاییه

۱- فقدان سازوکار روشن برای نظارت و اجرای سیاست‌ها

۲- نبود نظارت جامع بر عملکرد قضات و مدیران

۳- تأخیر در اجرای احکام

۴- ضعف کادرسازی و جان‌پوشی پروری

۵- فقدان نگاه علمی به پیشگیری از جرم



۶- ضعف تعامل مطلوب با سایر نهادها

آسیب‌های ساختاری قوه اجراییه

۱- بروکراسی و اختلال در ارتباط میان سطوح مختلف سلسله‌مراتب (عدم رضایت مردم)
 ۲- بزرگی ساختار و جمود سیستمی (فقدان روحیه قانون‌مداری - وجود قوانین متعدد، ناسخ و منسوخ و عدم شفافیت آن‌ها و عدم قابلیت انعطاف و تطابق قوانین با تغییرات و تحولات برنامه‌های توسعه)

۳- عدم پاسخگویی (مبتنی بر درآمد نفت)

۴- فقدان بهره‌وری و هدررفت منابع و تشدید نارضایتی

علی‌رغم انسجام درونی، وجود سازوکار ضمانت اجرا، برخورداری از رهبری با عالی‌ترین مراتب تقوا و شایستگی و با وجود تاکید موكد ساختار سیاسی اسلام بر رعایت مصالح معنوی و واقعی انسان‌ها، متأسفانه باید اذعان کرد در مقام عمل و اجرا با قصورات و کاستی‌های فراوانی مواجه هستیم که مانع دیده شدن امتیازات این ساختار حکومتی به نسبت سایر ساختارهای موجود در دنیا شده است و عملاً کارآمدی را با تردیدهای درونی و برونی مواجه ساخته است.

آسیب‌های ساختاری قوه مقننه

۱- عدم نگاه کارشناسی به طرح‌ها و لوایح و تفوق نگاه احساسی و سیاسی

۲- غلبه رویکرد بخشی‌نگری بر رویکرد کلان‌نگری

۳- تعدد و تکثر قوانین و مصوبات که بعضاً در تعارض با یکدیگر قرار دارند

۴- عدم استفاده کافی از بازوهای کارشناسی

تحلیل پاسخ خبرگان

در گویه اول مطروحه در پرسشنامه مبنی بر ساختار مبتنی بر تفکیک قوا و رعایت سلسله‌مراتب ۱۰۰ درصد خبرگان زیاد گزینه زیاد و خیلی زیاد را برگزیدند که حاکی از بدیهی بودن این امر و تایید حداکثری همگان بر ضرورت تفکیک وظایف و مسئولیت‌های قوا و همچنین مراعات سلسله‌مراتب

در ساختار و نقش پررنگ آن در اقتدار است. در گویه انتخاب رییس دولت توسط مردم، ۶۸ درصد گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کردند و ۴ درصد گزینه متوسط و البته ۲۸ درصد گزینه‌های کم، خیلی کم و بدون تاثیر را برگزیدند و ساختار کنونی را رد کرده‌اند ولی غالباً این رویه را موجد اقتدار و از محسنات ساختار کنونی دانسته‌اند.

اما نکته جالب این است که در گویه انتخاب رییس دولت توسط مجلس هم، پاسخ‌ها شبیه و یا نزدیک به گزینه قبلی است و با همان سازوکار این ساختار که رییس دولت توسط مجلس تعیین شود را تایید کرده‌اند و عملاً انتخاب مجلس و مردم را حدوداً برابر دیده‌اند. در گویه وجود نظارت و زعامت‌عالیه ولی فقیه، ۱۰۰ درصد این امر در ساختار حکومت ضروری و موجب اقتدار نظام ارزیابی کرده‌اند و به عبارت دیگر این مهم را بدیهی و متفقاً گزینه خیلی زیاد را برگزیدند.

نکته دیگر پاسخ خبرگان به دو گویه ساختار ریاستی اقتدارآفرین است و ساختار پارلمانی اقتدارآفرین است، بسیار قابل تامل می‌نماید چرا که پاسخ یکسان و به عبارت دیگر انتخاب ۱۰۰ درصدی گزینه زیاد و خیلی زیاد حاکی از علی‌السویه بودن این دو رویکرد و اقتدارآفرینی هر دو نظام است. در گویه حفظ نهادهای انقلابی در ساختار ۴۰ درصد گزینه خیلی زیاد و حدود ۱۱ درصد گزینه زیاد و ۲۷ درصد متوسط را برگزیدند و نشان‌دهنده این است که اکثریت خبرگان حفظ نهادهای انقلابی در ساختار سیاسی نظام را موجد اقتدار دانسته‌اند و فقط ۲۰ درصد این سیاست ساختاری را کم‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند.

در گویه دیگری یکی از تدابیر ساختاری با عنوان فصل الخطابی مجلس و شورای نگهبان مطرح شده است که ۸۶ درصد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و مابقی گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند که عملاً اتفاق نظر خبرگان را می‌توان ملاحظه کرد. در گویه مشارکت همه سلاقی در ساختار سیاسی هم امری بدیهی تلقی شده و ۱۰۰ درصد کارشناسان بر آن صحنه گذاردند و اما گویه آخر که تغییر ساختار کنونی به پارلمانی مورد پرسش قرار گرفته است پاسخ‌ها قابل توجه است. با این توضیح که ۵۰ درصد گزینه زیاد و خیلی زیاد و ۵۰ درصد دیگر سایر گزینه‌ها را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

حاکمیت هر نظام سیاسی برای اعمال اقتدار خویش باید در بنیان جامعه نهادینه شود، بدین منظور و برای نهادینه‌سازی، ساختار مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین اگر ساختار سیاسی را یکی از مهم‌ترین ارکان زیر بنای اقتدار ارزیابی کنیم دور از واقعیت نیست. چرا که این ساختار است که قدرت را در چارچوب نهادهای سیاسی به تناسب تحولات، توزیع می‌کند و سازمان‌ها را متناسب با فعالیت‌ها و امور جاری عهده‌دار مسئولیت می‌نماید. بدین ترتیب نظام سیاسی و اقتدار آن معلول تنظیم و تلفیق ساختار نهادهاست که با رویکرد موزون در ارتباط با یکدیگر در نظام سیاسی اعمال و اجرا می‌گردند. در این میان اصل تفکیک و تعادل قوا و چگونگی کارکردشان در هر نظام سیاسی مبتنی بر ساختار حاکم بر آن است و در همین راستا شقوق مختلف توزیع قدرت در ساختار حاکمیت سیاسی اهمیت یافته و نظام‌های ریاستی و یا پارلمانی نقش پررنگی می‌یابند. با این توضیح که در نظام‌های پارلمانی اصل «تفکیک قوا» به‌عنوان رکنی مهم در تبلور مردم‌سالاری به‌طور کامل ملاحظه نمی‌شود و قوای مقننه و مجریه در برخی امور با یکدیگر ممزوج می‌شوند و امکان خدشه به مردم‌سالاری را فراهم می‌سازند، چرا که تداوم و استمرار دولت در نظام‌های پارلمانی به پیوستگی حمایت قوه مقننه منوط است و این مهم، اقتدار و کارآمدی دولت را متاثر می‌سازد. از نگاه دیگر در نظام پارلمانی، بی‌ثباتی دولت‌های ائتلافی، نیز محل تامل است. زیرا مادامی‌که هیچ یک از احزاب در انتخابات موفق به کسب اکثریت پارلمانی نشود، حزب‌های پیروز در کارزار انتخابات با رویکردها و سیاست‌های متفاوت و بعضاً معارض، برای تشکیل دولت با یکدیگر ائتلاف تشکیل می‌دهند و بدیهی است که چنین دولتی فاقد ثبات و اقتدار کافی برای حل مشکلات و تمشیت امور کشور خواهد بود. این در حالی است که در آن روی سکه و با نگاه مثبت مشارکت گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی در دولت می‌تواند با مشارکت‌افزایی عامل اقتدار هم تلقی شود و این مهم ارتباط مستقیمی با وجود یک نظام حزبی قدرتمند و فعال دارد. بدون تردید فعالیت احزاب حقیقی که هر یک قشری از اقشار جامعه را نمایندگی و در ساختار قدرت ایفای نقش کنند عامل اقتدار آفرین ارزیابی خواهند شد. با این تفاسیر به علت نارسایی و طفولیت نظام حزبی در ایران، نظام پارلمانی، قادر به اداره کشور نخواهد بود و ضروری است کارشناسان امر مجدداً محاسن و معایب تغییر نظام سیاسی از ریاستی به پارلمانی را مطالعه و با بررسی‌های عمیق و آینده‌نگرانه اتخاذ تصمیم شود.

لذا می‌توان در این مقاله نتیجه گرفت که در حال حاضر فضای سیاسی کشور از آمادگی لازم برخوردار نیست تا به سوی یک نظام کاملاً پارلمانی حرکت کند. چرا که همان‌طور که اشاره شد نظام پارلمانی نیازمند یک مشارکت بالای سیاسی و فعالیت واقعی احزاب گوناگونی که هر کدام یک طرف سیاسی و اجتماعی جامعه را نمایندگی کنند است.

از طرف دیگر مقتضیات یک نظام ریاستی کامل بسیار محل تامل است. چرا که در نظام سیاسی این سوال مطرح می‌گردد که ریاست کلی بر کشور بر عهده کدام جایگاه قانونی است، رهبری یا ریاست جمهوری. از یک سو ریاست کشور بر عهده ولی فقیه است که به صورت غیرمستقیم توسط مردم از کانال نمایندگان آنان در مجلس خبرگان انتخاب می‌شود. اما باید توجه داشت که شان کلان رهبری و جایگاه دینی ولی فقیه از جمله مباحثی است که نیازمند بررسی ابعاد حقوقی و شرعی است.

از دیگر معایب مترتب بر نظام ریاستی، این است که معمولاً با قدرت یافتن یک نفر در قامت رئیس‌جمهور، یکه‌تازی‌ها و تکروری‌ها افزایش یافته و بعضاً برخی ارکان اجرایی و تقنینی یکدیگر را دعوت به مبارزه می‌کنند. چرا که در این نوع از نظام، رئیس‌جمهور هم ریاست کشور و هم ریاست دولت را به طور هم‌زمان داراست و از ابتکار عمل گسترده‌ای برخوردار است و این آسیب‌پذیری نظام را مضاعف می‌سازد.

اما در نظام نیمه‌ریاستی (ریاستی - پارلمانی)، رئیس‌جمهور، با اختیاراتی فراتر از ریاست کشور در نظام پارلمانی، از طریق آراء عمومی به طور مستقیم انتخاب می‌شود و علی‌رغم اینکه، اداره اجرایی کشور در اختیار وزیران است لیکن در مقابل مجلس، مسئول و قابل استیضاح هستند. در این نظام که متشکل از قوه‌ی مجریه‌ی دورکنی است، رئیس‌جمهور منتخب مردم، در جایگاه ریاست کشور، دارای اختیار در تعیین دولت و اداره‌ی امور کشور است و هیات وزیران منصوب و مورد تأیید ایشان، زیر نظر وی و البته هماهنگ و تحت نظارت مجلس فعالیت می‌کنند. ضمناً با وجود رئیس دولت منتخب از سوی مردم، در صورت رد دولت از سوی مجلس، با تشکیل دولت جدید مانع بی‌ثباتی و خلل در امور جاری کشور می‌شود و با مسئولیت دولت در مقابل مجلس از استبداد رای ناشی از قدرت فردی رئیس‌جمهور که در نظام‌های ریاستی تجربه شده است، اجتناب می‌شود و به عبارت دقیق‌تر توازن قوا در نظام نیمه‌ریاستی برقرار است.

به هر رو، تجربه چند دهه جمهوری اسلامی ایران این است که با توجه به اقتضائات جامعه خود، نظام حکومتی برگزینیم که شرایطمان را دشوار نسازد. بنابراین یک نظام نیمه‌ریاستی و

نیمه‌پارلمانی دقیق قادر خواهد بود که نیاز کشور را پاسخ دهد و اقتدار همه‌جانبه نظام جمهوری اسلامی ایران را تامین سازد.

با این شرایط پیشنهاد می‌شود با رفع برخی نارسایی‌های کنونی ساختار نظام و انجام بعضی اصلاحات شکلی و ماهوی از تغییر ساختار نظام به ریاستی یا پارلمانی محض اجتناب شود.

چه اینکه به نظر می‌رسد چالش اساسی پیش‌روی کشور و خودنمایی ناکارآمدی در بیشتر دستگاه‌های کنونی، متوجه ساختار نیست و چه بسا با تغییر ساختار معضلات و مشکلات تشدید شوند. لذا باید تداوم و استمرار اقتدار نظام را در تقویت کارآمدی و اصلاح برخی فرآیندها و به‌عبارت بهتر اصلاح بینش و تفکر بروکراسی حاکم معطوف کرد.

منابع و ماخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ارسطو (۱۳۶۴). سیاست. ترجمه حمید عنایت، تهران: نشر سپهر.
- اسدیان، احمد (۱۳۹۱). تحولات تفکیک قوا. تهران: نشر مجد.
- اسکندری، محمدحسین (۱۳۷۷). درآمدی بر حقوق اساسی، تهران: نشر سمت.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). «کاربست حکمرانی خوب برای ملت‌سازی در پرتو مطالعات میان رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱.
- جعفر پیشه‌فرد، مصطفی (۱۳۸۰). پیشینه نظریه ولایت فقیه، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم: نشر اسراء.
- حسینی بهشتی، حسین (۱۳۷۷). مبانی نظری قانون اساسی، تهران: نشر بقیع.
- حسینی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۵ هـ.ق). ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران: موسسه ترجمه و نشر.
- رنی، آستین (۱۳۷۴). آشنایی با حکومت، ترجمه سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۷). رسائل مشروطیت، تهران: نشر کویر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). مبانی حکومت اسلامی، ترجمه الهامی، قم: نشر توحید.
- شعبانی، قاسم (۱۳۷۳). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر اطلاعات.
- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۴۱۲ هـ.ق). نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، قم: نشر زمان.
- فرانتس، نویمان (۱۳۷۳). آزادی و قدرت و قانون، ترجمه فولادوند، تهران: نشر خوارزمی.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر دادگستر.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵). گفتارهایی در حقوق عمومی. تهران: نشر دادگستر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- کارلتون کلایموردی و همکاران (۱۳۵۱). آشنایی با علم سیاست، ترجمه ملکوتی، تهران: نشر امیرکبیر.
- مدنی کاشانی، عبدالرسول (۱۳۷۸). رساله انصافیه، کاشان: نشر مرسل.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: نشر سروش.
- مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸). نظریه سیاسی اسلام، قم: نشر مؤسسه آموزشی امام خمینی.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس.